



رویکرد هوش اجتماعی بر رشد دانش آموزان مدارس

صغری عزیزی^۱، سیده فاطمه رحیمی ناصرآباد^۲، ساره رضانی^۳ نسیم پرمهر^۴

۱- کارشناسی ارشد علوم تربیتی

۲- کارشناسی زیست شناسی

۳- کارشناسی آموزش و پرورش ابتدایی

۴- کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

چکیده

هوش اجتماعی نقش اساسی در رشد جامع دانش آموزان ایفا می کند و طیف وسیعی از مهارت ها را در بر می گیرد که برای برقراری روابط بین فردی، همکاری موثر و موفقیت در جنبه های مختلف زندگی ضروری است. هوش اجتماعی در هسته خود، به توانایی درک، فهم و مدیریت احساسات، هم احساسات خود و هم احساسات دیگران در تعاملات اجتماعی اشاره دارد. این مجموعه مهارت ها فراتر از دانش علمی و تخصص فنی است و به دانش آموزان درکی ظریف از رفتار انسان و پویایی های اجتماعی ارائه می دهد که برای رشد شخصی و موفقیت حرفه ای ضروری است. یکی از دلایل اصلی اهمیت هوش اجتماعی برای دانش آموزان، تأثیر آن بر سلامت کلی و بهداشت روانی آنهاست. با برخورداری از هوش اجتماعی، دانش آموزان قادر به ایجاد و حفظ روابط معنادار هستند که اساس حمایت عاطفی، تاب آوری و حس تعلق است. دانش آموزانی که از هوش اجتماعی بالایی برخوردارند، اغلب در مدیریت استرس، حل تعارض و فشار همسالان مهارت بیشتری دارند، زیرا می توانند با همدلی و مهارت در درک دیدگاه دیگران بر این چالش ها غلبه کنند.

کلمات کلیدی: آموزش، هوش اجتماعی، دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

معلمان و کارکنان مدرسه نیز به عنوان الگو و راهنما در شکل گیری رشد اجتماعی دانش آموزان نقش اساسی ایفا می کنند. با ایجاد فضایی حمایتی و فراگیر در کلاس درس، مربیان می توانند فضایی امن ایجاد کنند که در آن دانش آموزان احساس ارزشمندی و احترام داشته باشند. روابط مثبت معلم و دانش آموز برای تشویق ارتباط باز و توسعه اعتماد، که اجزای ضروری هوش اجتماعی هستند، اساسی است.

علاوه بر این، مدارس مسئولیت رسیدگی به مسائلی مانند قلدری و تبعیض را دارند که می تواند مانع از توسعه مهارت های اجتماعی و سلامت عاطفی شود. مدارس می توانند از طریق سیاست ها، برنامه ها و راهبردهای مداخله پیشگیرانه، فرهنگ احترام و مدارا را ترویج کنند و همزمان دانش آموزان را به ایجاد راهبردهایی برای مقابله و پیشگیری از رفتارهای اجتماعی منفی مجهز کنند.

در پایان، مدارس با فراهم کردن محیط های ساختاریافته، گنجاندن یادگیری اجتماعی-عاطفی در برنامه درسی، ترویج تعاملات متنوع و پرورش روابط مثبت بین دانش آموزان و مربیان، در تقویت هوش اجتماعی نقش اساسی ایفا می کنند. مدارس با تأکید بر توسعه همدلی، مهارت های ارتباطی و آگاهی فرهنگی، دانش آموزان را نه تنها برای موفقیت تحصیلی بلکه برای داشتن زندگی معنادار و رضایت بخش به عنوان اعضای مسئول جامعه آماده می کنند. با تکامل شیوه های آموزشی، نقش مدارس در پرورش هوش اجتماعی همچنان برای شکل دادن به توانایی نسل آینده در پیشرفت در دنیایی متنوع و به هم پیوسته، ضروری است.

هوش اجتماعی توسط محققان و دانشمندان رشته های مختلف به روش های گوناگون تعریف و مفهوم سازی شده است. این تعاریف اغلب بر جنبه های مختلف شایستگی اجتماعی و توانایی در برقراری روابط مؤثر بین فردی تأکید می کنند. در اینجا به بررسی چندین دیدگاه در مورد هوش اجتماعی می پردازیم:

مایر و سالوی یکی از اولین مدل های هوش هیجانی را ارائه کردند که هوش اجتماعی را به عنوان جزئی از آن در نظر می گیرد. آنها هوش اجتماعی را به عنوان توانایی نظارت بر احساسات خود و دیگران، تشخیص تفاوت های ظریف میان آنها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت تفکر و رفتار تعریف کردند. در این مدل، هوش اجتماعی شامل درک احساسات و مدیریت مؤثر آنها در تعاملات اجتماعی است.

ادوارد تورندایک، روانشناسی که به خاطر کارش روی هوش شناخته شده است، هوش اجتماعی را به عنوان "توانایی درک و مدیریت مردان و زنان، پسران و دختران و رفتار عاقلانه در روابط انسانی" تعریف کرد. تورندایک هوش اجتماعی را زیرمجموعه ای از هوش عمومی می دید که بر مهارت های اجتماعی کاربردی و درک متمرکز است.

دنیل گولمن مفهوم هوش هیجانی (EI) را که شامل هوش اجتماعی است، رواج داد. او هوش اجتماعی را به عنوان توانایی درک و مدیریت افراد و گروه ها از طریق همدلی و ارتباط مؤثر تعریف کرد. گولمن بر اهمیت آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط در موفقیت شخصی و حرفه ای تأکید کرد.

هوارد گاردنر پیشنهاد کرد که هوش یک کل واحد نیست بلکه مجموعه ای از هوش های چندگانه از جمله هوش بین فردی است. به گفته گاردنر، هوش بین فردی شامل توانایی درک و تعامل مؤثر با دیگران است. این هوش مهارت هایی مانند همدلی، ایجاد ارتباط و حل تعارض را در بر می گیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برخی از تعاریف هوش اجتماعی بر رفتارهای قابل مشاهده در زمینه های اجتماعی تمرکز می کنند. این دیدگاه، هوش اجتماعی را توانایی وفق دادن رفتار با موقعیت های اجتماعی مختلف، تفسیر دقیق نشانه های اجتماعی و برقراری ارتباط موثر می داند. روانشناسان رفتاری اغلب در تعریف هوش اجتماعی بر یادگیری و توسعه مهارت های اجتماعی تأکید می کنند. تعاریف هوش اجتماعی همچنین ممکن است بر اساس عوامل فرهنگی و بافتاری متفاوت باشد. آنچه رفتار باهوش اجتماعی در نظر گرفته می شود، می تواند در فرهنگ ها و جوامع مختلف متفاوت باشد و منعکس کننده هنجارها، ارزش ها و انتظارات منحصر به فرد هر زمینه باشد. درک این تفاوت ها برای ارزیابی و توسعه هوش اجتماعی در محیط های متنوع ضروری است.

از نظر کاربردی، هوش اجتماعی اغلب برای موفقیت در روابط بین فردی، نقش های رهبری، کار گروهی و ارتباط موثر ضروری تلقی می شود. این هوش مهارت هایی مانند همدلی، گوش دادن فعال، حل تعارض، مذاکره و تأثیرگذاری مثبت بر دیگران را شامل می شود. افراد با هوش اجتماعی بالا اغلب به عنوان افرادی ماهر از نظر اجتماعی، با هوش هیجانی بالا و توانایی در پیمایش پویایی های اجتماعی پیچیده به راحتی شناخته می شوند. به طور خلاصه، هوش اجتماعی طیف وسیعی از مهارت ها و توانایی ها را در ارتباط با درک، تفسیر و مدیریت مؤثر تعاملات بین فردی در بر می گیرد. تعاریف هوش اجتماعی از تمرکز بر آگاهی احساسی و همدلی تا مهارت های اجتماعی کاربردی و رفتارهای تطبیقی متغیر است. صرف نظر از تعریف خاص، هوش اجتماعی به طور گسترده به عنوان جنبه ای اساسی از موفقیت شخصی و حرفه ای شناخته می شود که بر روابط، ارتباطات و سلامت کلی در زمینه های اجتماعی مختلف تأثیر می گذارد. همانطور که تحقیقات همچنان در حال تکامل است، درک ماهیت چندوجهی هوش اجتماعی برای پرورش نتایج اجتماعی مثبت و ارتقاء صلاحیت فردی در پیمایش پیچیدگی های روابط انسانی اهمیت فزاینده ای پیدا می کند.

مؤلفه های هوش اجتماعی

هوش اجتماعی مجموعه ای پیچیده از اجزای به هم مرتبط است که به افراد توانایی پیمایش و شکوفایی در تعاملات و روابط اجتماعی را به طور کلی می دهد. این اجزا برای درک خود و دیگران، برقراری ارتباط مؤثر و انطباق با بافت های اجتماعی گوناگون، اساسی هستند.

اولین و مهمترین مؤلفه هوش اجتماعی، همدلی است. همدلی به معنای توانایی تشخیص، درک و سهیم شدن در احساسات و دیدگاه های دیگران است. افراد با همدلی بالا به طور شهودی درک می کنند که دیگران چه احساسی دارند و این امر موجب ایجاد ارتباطات عمیق تر، تقویت ارتباطات و پرورش روابط حمایتی می شود. همدلی صرفاً دلسوزی برای کسی نیست، بلکه شامل تلاش واقعی برای درک و هم نوایی با تجربیات دیگران است.

تنظیم هیجانی مؤلفه حیاتی دیگری است. این مؤلفه به توانایی مدیریت و ابراز مناسب هیجانها در موقعیت های مختلف اشاره دارد. این مهارت به افراد اجازه می دهد تا تحت فشار آرام بمانند، با سازندگی با تعارضات برخورد کنند و بر اساس آگاهی هیجانی به جای تصمیمات منطقی بگیرند. تنظیم هیجانی همچنین شامل درک تأثیر احساسات فرد بر دیگران و تنظیم رفتارها بر این اساس برای حفظ تعاملات اجتماعی مثبت است.

آگاهی اجتماعی دربرگیرنده درک گسترده تری از پویایی های اجتماعی، هنجارها و نشانه ها است. این آگاهی شامل شناسایی سلسله مراتب اجتماعی، تفاوت های فرهنگی و بافت های موقعیتی است. افراد با آگاهی اجتماعی بالا در تفسیر ارتباطات غیرکلامی مانند زبان بدن و حالات چهره که به درک احساسات و اهداف پنهان کمک می کند، مهارت دارند. این آگاهی، پیمایش مؤثر موقعیت های اجتماعی و تقویت حساسیت نسبت به دیدگاه ها و پیشینه های متنوع را تسهیل می کند. مهارت های ارتباطی در هوش اجتماعی نقشی اساسی دارند و شامل هر دو شکل بیان کلامی و غیرکلامی می شوند. ارتباط گران مؤثر افکار خود را به طور شفاف بیان می کنند، با دقت به حرف دیگران گوش می دهند و سبک ارتباطی خود را با



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مخاطب و بستر آن وفق می‌دهند. این توانایی شامل برقراری همدلی از طریق گوش دادن فعال، پرسیدن سؤالات عمیق و ارائه بازخورد سازنده است. مهارت‌های ارتباطی قوی درک متقابل را تسهیل می‌کند، تعارضات را حل می‌کند و روابط همکاری را تقویت می‌بخشد.

نقش‌آفرینی به معنای توانایی در نظر گرفتن موقعیت‌ها از دیدگاه‌های مختلف است. این امر مستلزم آن است که خود را به جای دیگران بگذاریم و تصور کنیم آنها وقایع را چگونه درک و تفسیر می‌کنند. نقش‌آفرینی، همدلی را تقویت می‌کند، توانایی حل مسأله را ارتقا می‌بخشد و تفکر انعطاف‌پذیر را تشویق می‌کند. با درک دیدگاه‌های مختلف، افراد می‌توانند مؤثرتر با تعارضات مذاکره کنند و محیط‌های فراگیری را پرورش دهند که در آن‌ها به نظرات متنوع احترام گذاشته شود.

قضاوت اجتماعی به توانایی اتخاذ تصمیمات صحیح در موقعیت‌های اجتماعی بر اساس ملاحظات اخلاقی، آگاهی فرهنگی و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد. این امر شامل ارزیابی پیامدهای اعمال فرد بر خود و دیگران، پیش‌بینی واکنش‌ها و انتخاب‌هایی است که احترام متقابل و انصاف را حفظ کند. افراد با هوش اجتماعی بالا استدلال اخلاقی، صداقت و تعهد به ایجاد روابط مثبت و رفاه جامعه را نشان می‌دهند.

مدیریت روابط اوج هوش اجتماعی است که شامل توانایی ایجاد و حفظ روابط معنادار با دیگران می‌شود. این امر شامل مهارت‌هایی مانند حل تعارض، مذاکره و همکاری است. مدیران روابط مؤثر اعتمادسازی می‌کنند، دیگران را الهام می‌بخشند و با همدلی و اصالت در پویایی‌های بین فردی هدایتگری می‌کنند. آنها ارزش کار گروهی را درک می‌کنند، به دنبال نقاط مشترک هستند و رفتارهای خود را برای پرورش شبکه‌ها و جوامع حمایتی تنظیم می‌کنند.

هوش اجتماعی مجموعه‌ای متنوع از اجزای به هم مرتبط است که به طور کلی به افراد توانایی پیمایش پیچیدگی‌های اجتماعی، برقراری روابط معنادار و مشارکت مثبت در جامعه را می‌دهد. این اجزا - همدلی، تنظیم هیجانی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، نقش‌آفرینی، قضاوت اجتماعی و مدیریت روابط - برای رشد فردی، موفقیت حرفه‌ای و پرورش جوامع فراگیر و هماهنگ ضروری هستند. توسعه هوش اجتماعی یک سفر مادام‌العمر است که از دوران کودکی آغاز می‌شود و از طریق یادگیری و بازتاب مستمر ادامه می‌یابد و در نهایت زندگی فردی و بافت اجتماعی گسترده‌تر را غنی می‌کند. همان‌طور که افراد این مهارت‌ها را پرورش می‌دهند، نه تنها به رفاه خود می‌افزایند، بلکه در ایجاد دنیایی همدل‌تر، انعطاف‌پذیرتر و به هم پیوسته‌تر نیز مشارکت می‌کنند.

مدل های هوش اجتماعی

هوش اجتماعی مفهومی پیچیده است که از طریق مدل‌های مختلفی که توسط پژوهشگران در زمینه روانشناسی، آموزش و پرورش و رفتار سازمانی ارائه شده، مفهوم‌سازی و مطالعه شده است. این مدل‌ها تلاش می‌کنند جنبه‌ها و ابعاد مختلف شایستگی اجتماعی، مهارت‌های بین فردی و توانایی پیمایش مؤثر محیط‌های اجتماعی را به تصویر بکشند. در اینجا به بررسی چند مدل برجسته هوش اجتماعی می‌پردازیم:

۱. مدل مایر و سالوی: این مدل که توسط پیترو سالوی و جان مایر توسعه یافته، ارتباط نزدیکی با چارچوب گسترده‌تر هوش هیجانی (EQ) آن‌ها دارد. طبق نظر مایر و سالوی، هوش اجتماعی شامل توانایی درک، فهم و مدیریت مؤثر نشانه‌های اجتماعی و روابط بین فردی است. این مدل بر جنبه‌های شناختی هوش اجتماعی مانند توانایی تشخیص و تفسیر نشانه‌های اجتماعی، درک احساسات خود و دیگران و استفاده از این درک برای هدایت رفتار در موقعیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند. هسته اصلی مدل آن‌ها، ایده پردازش اطلاعات اجتماعی است که در آن افراد از نشانه‌های احساسی و اجتماعی برای تصمیم‌گیری و پیمایش موفقانه تعاملات اجتماعی استفاده می‌کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲. مدل گولمن: دانیل گولمن با ادغام هوش اجتماعی به عنوان یک مؤلفه کلیدی، مفهوم هوش هیجانی را گسترش داد. مدل گولمن بر جنبه‌های بین فردی هوش اجتماعی تأکید می‌کند و مهارت‌هایی مانند همدلی، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط را برجسته می‌سازد. به گفته گولمن، افراد با هوش اجتماعی بالا در درک احساسات و نیازهای دیگران، ایجاد ارتباط و اعتماد و تأثیرگذاری و الهام بخشی به دیگران مهارت دارند. مدل او بر اهمیت مهارت‌های بین فردی در رهبری، کار گروهی و موفقیت کلی در محیط‌های اجتماعی تأکید می‌کند.

۳. دیدگاه ثورندایک: مفهوم‌پردازی اولیه هوش اجتماعی توسط ادوارد ثورندایک بر مهارت‌های اجتماعی کاربردی و توانایی درک و مدیریت روابط بین فردی تمرکز داشت. او هوش اجتماعی را بخشی از هوش عمومی می‌دانست که شامل توانایی عمل خردمندانه در روابط انسانی، حل تعارضات و برقراری ارتباط مؤثر می‌شد. مدل ثورندایک بر رفتارهای قابل مشاهده و کاربرد عملی مهارت‌های اجتماعی در تعاملات روزمره تأکید می‌کند.

۴. نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر: هوارد گاردنر پیشنهاد کرد که هوش یک موجودیت واحد نیست بلکه مجموعه‌ای از هوش‌های چندگانه است، از جمله هوش بین فردی. مدل هوش بین فردی گاردنر بر توانایی درک اهداف، انگیزه‌ها و خواسته‌های دیگران و کار موثر با آن‌ها تأکید می‌کند. افراد با هوش بین فردی بالا در محیط‌های اجتماعی موفق هستند و مهارت‌هایی مانند همدلی، همکاری و رهبری را نشان می‌دهند. مدل گاردنر بر تنوع هوش انسانی تأکید می‌کند و اهمیت مهارت‌های اجتماعی را در موفقیت فردی و حرفه‌ای به رسمیت می‌شناسد.

۵. رویکردهای رفتاری: برخی از مدل‌های هوش اجتماعی بر رفتارهای قابل مشاهده و توسعه مهارت‌های اجتماعی تمرکز دارند. این رویکردها اغلب بر یادگیری از طریق تقویت و تجربه تأکید می‌کنند و نقش نظریه یادگیری اجتماعی در کسب شایستگی اجتماعی را برجسته می‌سازند. مدل‌های رفتاری هوش اجتماعی بر رفتارهای تطبیقی مانند گوش دادن فعال، قاطعیت، حل تعارض و مهارت‌های مذاکره تأکید می‌کنند که برای پیمایش مؤثر موقعیت‌های اجتماعی متنوع ضروری هستند.

۶. تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌ای: مدل‌های هوش اجتماعی همچنین به تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌ای در رفتارها و هنجارهای اجتماعی اذعان دارند. آنچه رفتار باهوش اجتماعی را تشکیل می‌دهد، می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد و ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات فرهنگی را در مورد روابط بین فردی و سبک‌های ارتباطی منعکس کند. درک این تفاوت‌ها برای ارزیابی و توسعه هوش اجتماعی در بافت‌های فرهنگی متنوع بسیار مهم است.

نتیجه گیری

از نظر عملی، مدل‌های هوش اجتماعی چارچوبی را برای درک و ارزیابی توانایی‌های افراد در جهت پیمایش تعاملات اجتماعی، برقراری روابط و دستیابی به موفقیت در زمینه‌های بین فردی ارائه می‌دهند. این مدل‌ها با ارتقای توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، همدلی، شایستگی ارتباطی و توانایی‌های همکاری، به شیوه‌های آموزشی، توسعه سازمانی و ابتکارات رشد فردی کمک می‌کنند. آن‌ها بر اهمیت هوش اجتماعی در ایجاد روابط مثبت، کار گروهی مؤثر و بهزیستی کلی در محیط‌های اجتماعی و حرفه‌ای مختلف تأکید می‌کنند.

به طور کلی، مدل‌های هوش اجتماعی همچنان در حال تکامل هستند، زیرا محققان ابعاد و کاربردهای جدیدی از این مفهوم چندوجهی را کشف می‌کنند. با ادغام بینش‌های حاصل از روانشناسی، آموزش و پرورش و رفتار سازمانی، این مدل‌ها به درک عمیق‌تری از رفتار اجتماعی انسان کمک می‌کنند و چارچوب‌های ارزشمندی را برای ارتقای شایستگی اجتماعی و مهارت‌های بین فردی در جمعیت‌ها و زمینه‌های مختلف ارائه می‌دهند.



منابع:

- ۱) آقازاده، احمد (۱۳۷۹)، آموزش و پرورش تطبیقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران.
- ۲) احمدی، غلامعلی، (۱۳۸۰). بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه قصد شده، اجرا شده و کسب شده در برنامه جدید آموزش علوم دوره ابتدایی. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۳) احمدی، غلامعلی، (۱۳۸۳). ارزشیابی از برنامه درسی تربیت معلم دوره های کاردانی مراکز تربیت معلم ایران، موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، تهران.
- ۴) پرویزیان، محمد علی (۱۳۸۴). بررسی آموزش کاوشگری در درس علوم تجربی پایه‌های سوم تا پنجم مدارس ابتدایی استان مرکزی، موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، تهران.
- ۵) حسینی، فرهاد، (۱۳۸۱)، بررسی موانع و مشکلات دبیران علم مقطع راهنمایی شهر تهران در استفاده از آزمایشگاههای علوم در فرآیند تدریس، پایان نامه دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز.
- ۶) حج فروش، احمد. بررسی پیشنهادهای معلمان مجرب و کارشناسان سازمان و پژوهشگران درباره محتوای آموزشی کتابهای درسی دوره ابتدایی (علوم تجربی). مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، ۱۳۸۰.